



فقه مصور عبادات

آسان سازی و آموزش احکام اسلام

حج

زکات

روزه

نماز

پاکی



د. عبدالله بن سالم باهمام

ترجمه

د. محمد سرور محمد مراد سروری بلخی

انواع دیگری، از زکاتها

انواع دیگری، از زکاتها

مطالب

زکات قرضها

زکات اوراق بهادار

زکات مکافات پایان کار

و مکافات بازنشستگی

و حقوق بازنشستگی

زکات بیمه مستاجر

زکات حقوق معنوی

زکات کرایه و معاشات

و فوائد حرفه های آزاد

زکات مال حرام

حکم زکات قرض های که پرداختش بر زکات دهنده واجب میباشد

اگر مقدار قرضهای شخصی باندازه نصاب زکاتش برسد، و یا اندکی کمتر از نصاب باشد، بر وی زکات واجب نیست، و اگر قرض، نصاب را پائین نمی آورد، درین حالت از سرمایه بمقدار قرض کم میشود، و از متباقی زکاتش جدا میگردد. مثال: اگر شخصی (۱۰۰۰۰ دلار) داشت، و مقدار (۱۰۰۰۰ دلار) مدیون بود، بروی زکات واجب نیست، زیرا که دین شامل همه نصاب میشود، و همچنین اگر (۹۹۵۰ دلار) مدیون بود، زیرا که از نصاب کمتر است، بروی زکات واجب نیست، اما اگر قرض او (۴۰۰۰ دلار) بود، از سرمایه منفی یا طرح میگردد، که متباقی (۶۰۰۰ دلار) است که در آن زکات واجب میباشد.

زکات دینها و وامها

وام یا قرض

مالیکه پرداختش بر مدیون واجب است.



حکم زکات اوراق بها دار

زکات اوراق بهادار حکم زکات قرض و وام را بخود میگیرد، اگر به نصاب برسد، زکات بر آن واجب است، و همچنین است حکم آنچه که در ملکیت صاحبش بوده و به آن ملحق گردیده، چه پول باشد و یا کالاهای بازرگانی که سال بر آنها سپری شود، از آنها ربع عشر جدا میکند، اگر جدا کردن اوراق بهادار ممکن نباشد، مگر بعد از یک مدت زمانی، در این حالت زکات از آن ساقط نمیشود، ولی زمانیکه سالهای آنها از هم جدا شد، برای هر سال سپری شده، زکاتش را پرداخت کند.



وام در برابر فائده

حکم زکات قرضهای مستحقه زکات دهنده بر دیگران

۱. اگر دریافت قرض ممکن نباشد، مانند اینکه مدیون مفلس بوده، و یا منکر قرض باشد، در این حالت هر سال زکات بر وام دهنده واجب نیست، بلکه اگر آنرا دریافت کرد، زکات یک سالش را پردازد.
۲. اگر دریافت قرض ناممکن نباشد، مانند اینکه مدیون نیت پرداخت را داشته، و تاخیر نمیکند، بر وام دهنده واجب است تا هر سال زکاتش را پردازد، زیرا که در حکم موجود در نزدش میباشد.

زکات اوراق بهادار

ورق بها دار

گواهینامه ای است که به موجب آن صادر کننده التزام خود را برای پرداخت بهای یاد شده در هنگام استحقاق، با سود اتفاق شده درین سند به حامل آن می پردازد.

زکات مکافات پایان کار و مکافات بازنشستگی و حقوق بازنشستگی

به مدت زمان دوره ای آنرا دریافت نماید، در این حالت ملکیت شان کامل بوده، زکات مال مورد استفاده اش را که در تصرفش باشد جدا میکند.

زکات بیمه که مستاجر می پردازد

بیمه

اموالیکه مستاجر به مؤجر برای موثق کردن پیش پرداخت میکند.

زکاتش بر مستاجر واجب نیست، زیرا که در ملکیت او نمیشاید، پس ملکیت کامل که شرط وجوب زکات است تحقق نیافته است.^(۱)

زکات حقوق معنوی

حقوق معنوی

سلطه ایست برای شخص بر چیزی غیر مادی، برابر است که ثمره فکری باشد مانند حق مؤلف در تالیفات علمی و ادبی، و یا حق براءة اختراع در اختراعات صنعتی، و یا نتیجه فعالیت‌های بازرگانی بوده که تاجر برای جذب خریداران انجام داده، چنانچه در نامهای بازرگانی و علائم بازرگانی معمول میباشد.

حکم زکات حقوق معنوی

حقوق معنوی در عرف، بهای مالی دارد، که شریعت آنرا معتبر میداند، بنابر این تصرف بر آن طبق موازین شرعی مجاز بوده، از تجاوز بر آن مصئون میباشد. در خود حقوق تالیف و ابتکار زکات واجب نیست، بدلیل عدم تحقق شرایط زکات در آنها، و لکن اگر از آن بهره برداری شود، بر عائداتش، حکم مال مورد استفاده اجراء میگردد.^(۲)

(۱) قضایا فقهیه معاصره / د / صلاح الصاوی، ص ۶۰.

(۲) قضایا فقهیه معاصره / د / صلاح الصاوی، ص ۶۰.

مکافات پایان کار

مبلغ مالی معینی است که کارگر در پایان کارش مستحق آن میشود، و طبق قوانین ولوایح از کارفرما بنابر شرایط تعیین شده دریافت میدارد.

مکافات بازنشستگی

مبلغ مالی معینی است که دولت، و یا بنگاهای اختصاصی به کارمند و یا کارگری که شامل قانون بیمه های اجتماعی باشد، می پردازد، اگر واجد شرایط مطلوب برای استحقاق حقوق بازنشستگی بوده باشد.

حقوق بازنشستگی

مبلغ مالی است که کارمند و یا کارگر مستحق آن بوده از دولت و یا بنگاه اختصاصی در پایان کارش طبق قوانین ولوایح دریافت میکند، اگر واجد شرایط معینی بوده باشد.

حکم آن

بر کارگر و کارمند در مورد استحقاقش نسبت به این مدت کارش زکاتی واجب نیست، زیرا مالکیتی که برای وجوب زکات شرط است تحقق نیافته است، چونکه قادر به صرف آن و یا تصرف به حقی از حقوق ملکیت را در تمام مدت کارش بر آن نداشته است. چنین استحقاقی زمانی ملکیت کارمند و یا کارگر بر آن اتمام می یابد که فرمانی برای تعیین و تسلیم آن برایشان صادر شود، تا کارمند و کارگر به یکبارگی و یا

بر مال حرام چگونه تصرف کرد

ا- مال حرامی که خللی در شیوه کسب آنست، اگر دست کسی باشد، هرگز مالک آن نمیشود، هر چند که مدت زیادی بر آن سپری شود، بر وی واجب است که به مالکش ویا وارث او - اگر میشناسدش - برگرداند، اگر از شناسائی او مایوس شد، واجب آنست که در امور خیریه بمنظور رهائی از آن خرج کند، و مقصودش صدقه به صاحبش باشد.

ب- اگر مالی را به عنوان اجره در کار حرام دریافت کرد، باید آنرا در امور خیریه مصرف کند، و برای کسیکه از وی گرفته برنگرداند، زیرا که برگردانیدن برای او متضمن کمک به گناه میباشد.

ج- مال حرام را به کسی که از وی گرفته برنگرداند، اگر هنوز هم بر معامله غیر مشروعی که منجر به حرمت مال شده اصرار دارد، مانند سود ربا خوری، بلکه همچنین آنرا در امور خیریه به مصرف برساند.

د- اگر برگردانیدن خود مال حرام ممکن نبود، واجب آنست که مانند آنرا برگرداند، ویا بهای آنرا به صاحبش اگر بشناسد پرداخت نماید، ودر غیر اینصورت مانند و مثل آنرا برگرداند، ویا بهای آنرا به امور خیریه خرج کند و مقصودش صدقه به صاحبش باشد.^(۱)



(۱) قضایا فقهیه معاصره: د/ صلاح الصاوی: ص ۶۱ وما بعدها.

زکات اجره ها، و حقوق ها و مکاسب حرفه های آزاد

اجره ها، و معاشات

آنچه کارگر در مقابل کارش دریافت میدارد



حکم آن

حیثیت زکات نقدین را بطور کامل دارد، اگر به نصاب برسد و یکسال بر آن سپری شود، زکات واجب است، و مقدار زکاتش ربع عشر (۵، ۲٪) میباشد.

زکات مال حرام

مال حرام

هر مالیکه شریعت از داشتن ویا نفع بردنش، منع کرده، مثل مالیکه از بازرگانی شراب، ویا سود خوری، ویا مال دزدی ومانند آن بدست آید.

مالیکه در ذات خود حرام بوده - مانند مالیکه از بازرگانی شراب، و خوک - بدست آمده، محل زکات نمیشود، و همچنین بر مال حرام لغیره زکات نیست، زیرا که اختلال موازین شرعی در کسب آن دیده می شود - مثل مال مسروقه - بخاطر نبودن ملکیت کامل در آن که شرط وجوب زکات میباشد.